



هشدار هشت ماه پیش رهبر انقلاب به دولت  
**معطل اروپا بنامید**

طرف‌های اروپایی موظفند تضمین‌های لازم را در خصوص برجام بدهند اما نباید اقتصاد کشور به این موضوع گره زده و معطل آن شود/ بجز موارد معدودی همچون آمریکا، روابط کشور با شرق و غرب باید هر چه بیشتر تقویت شود و تحرک عملیاتی و هدفمند دیپلماسی افزایش یابد.

(۲۴/۰۴/۱۳۹۷)

حمایت از کالای ایرانی

www.Hadinews.ir



سال سوم شماره ۲۱۴ چهارشنبه ۱۵ اسفند ماه ۱۳۹۷

[www.hadinews.ir](http://www.hadinews.ir)

کانال معیار در سروش @meyar.pb

## مخالفت جوان‌گرایی

**صبح نو:** اتفاق خارق‌العاده‌ای در عرصه سیاسی ایران در حال سر برآوردن است؛ جریانی مدعی اصلاح که سال‌هاست با طعنه‌زنی به رقبای خود، درصدد تصرف مصادر قدرت است و با قطار کردن گفتارهایی توسط ایدئولوگ‌های ریز و درشتش، به صراحت در حال مقابله با جوان‌گرایی است. با نگاهی به ایده‌های مطرح‌شده، بیش از پیش روشن می‌شود که طبق معمول، سیاست‌بازی عامل تحریک اصلاح‌طلبان به مخالفت با نوگرایی در ساختارها و سازمان‌هاست، چرا که آن‌ها خود در فقدان عقبه جوان و وفادار، دچار انقطاع نسلی شده و به شدت نگرانند تا سمت‌ها و مسوولیت‌ها در اختیار نسل جوان‌تری قرار بگیرد که در دوران جمهوری اسلامی تربیت و آبدیده شده و اکنون زمانه ثمر دانستن است. این نگرانی به طور واضح در ترکیب‌بندی دولت خود را بازتاب می‌دهد که ما در حال حاضر شاهد کهنسال‌ترین دولت (در سطح وزرا، معاونان وزیر و...) در چهل ساله اخیر هستیم. در حوزه حزبی نیز وضع به همین منوال است و رگه‌هایی از تحول و جوان‌گرایی درون جریان اصلاح‌طلب با شدیدترین هجوم‌ها سرکوب شد، مانند آنچه در مورد حزب ندر رخ داد. طبیعی است که این جریان با این وضع و حال باید مخالف اصل جوان‌گرایی انقلاب در چهل سالگی‌اش باشد و در نظر و عمل در برابر آن مقاومت کند و حتی با طرح اقداماتی انحرافی نظیر دادن سهم بیشتر به زنان یا اقلیت‌ها، سعی کند مسیر جوان‌گرایی را به راه دیگری بیندازد؛ اما سیاست جمهوری اسلامی، جوان‌گرایی است و این پیشران مهم پیشرفت، به سرعت جایگاه خود را به دست خواهد آورد.

## روند تحولات ثابت کرد اروپا قابل اعتماد نیست

**کیهان:** یک روزنامه اصلاح‌طلب با استقبال از هشدار تازه منتشر شده رهبر انقلاب خطاب به دولتمردان که ۸ ماه قبل عنوان شده، نوشت: اروپا ایران را قانع نمی‌کند. آرمان به قلم حسن هانی‌زاده نوشت: اظهارات رهبر انقلاب در جریان دیدار رئیس‌جمهور و اعضای کابینه با ایشان پیرامون رابطه با غرب نشان می‌دهد که اروپایی‌ها پس از توافقنامه برجام یک سلسله پیش شرط‌ها و موانعی را قرار دادند تا از زیر بار تعهدات خودشان خارج شوند. رهبر معظم انقلاب اسلامی به خوبی مواضع دوگانه اتحادیه اروپا نسبت به ایران را شرح دادند و این نشان می‌دهد که مقام رهبری با توجه به تجربه و مسوولیت‌هایی که به عهده داشتند و دارند، به خوبی دریافته‌اند که اتحادیه اروپا دنبال بهانه‌گیری است و مشروط کردن شرایط اقتصادی کشور به نرمش اتحادیه اروپا و همکاری این اتحادیه، ایران را از اهداف و ظرفیت‌های داخلی خودش دور می‌کند به همین دلیل تاکید ایشان بر این است که باید از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی بالا برای بهبود وضعیت اقتصادی استفاده کرد و نباید برجام و شرایط اقتصادی را به اروپایی‌ها گره زد.

به نظر می‌رسد دولت در سال آینده نسبت به اقتصاد درون‌زا و اقتصاد بومی و ظرفیت‌های داخلی توجه بیشتری نشان خواهد داد. با توجه به اینکه دولت آقای روحانی در طول سه سال گذشته، یعنی بعد از توافقنامه برجام، تمام تعهدات خودش را عملیاتی و مسیر اعتمادسازی را طی کرد اما متأسفانه آمریکا و اتحادیه اروپا ثابت کردند که طرف‌های قابل اعتمادی نیستند و به همین دلیل در جریان گفت‌وگوهای ایران با اتحادیه اروپا، یکسری شرط‌هایی را قرار دادند که قابل اجرا شدن نیست. لذا الان اتحادیه اروپا درصدد بهانه‌گیری است تا مانند آمریکا از توافقنامه خارج شود و یا حداقل از اجرای تعهدات خود شانه خالی کند. به همین دلیل به نظر می‌رسد که برجام اکنون به یک توافقنامه غیرقابل عملیاتی که جایگاه خودش را از دست داده، تبدیل شده و دولت آقای روحانی باید در این خصوص اولاً یکسری ضرب‌الاجل‌هایی را برای اتحادیه اروپا به منظور اجرایی کردن تعهداتش تعیین کند و در غیر این صورت درصدد یارگیری جدیدی در شرق و بخشی از کشورهای منطقه باشد. اکنون جامعه جهانی هم به این نتیجه رسیده که اتحادیه اروپا همانند آمریکا قصد ندارد که با ایران تعاملی محترمانه و براساس منافع مشترک داشته باشد و لذا این احتمال هم وجود دارد که اتحادیه اروپا صریحاً اعلام کند که نمی‌خواهد برجام را عملیاتی کند. البته رهبر انقلاب راه را نبسته‌اند و دست دولت را برای تعامل با جهان خارج بازگذاشته‌اند. به هر حال اتحادیه اروپا ثابت کرد طرف با انصافی نیست که بخواهد بدون قرار دادن شرایطی و گره زدن برجام به یک شرایط منطقه‌ای و جهانی تعهدات خودش را عملیاتی کند.

## دوگانه‌های کاذب

**وطن امروز:** اخیراً کمیته ملی حزب دموکرات آمریکا که نهاد مرکزی این حزب است با تصویب قطعنامه‌ای خواستار بازگشت دولت آمریکا به برجام شد. برخی گروه‌ها مانند لابی نایاک در آمریکا مدعی شده‌اند تصویب این قطعنامه از سوی کمیته ملی دموکرات آمریکا نشان‌دهنده رویکرد این حزب درباره برجام است؛ به این معنی که در صورت پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری آتی آمریکا، بازگشت به برجام به شکل جدی در دستور کار دولت این کشور قرار می‌گیرد.

همزمان با تصویب قطعنامه «بازگشت به برجام» توسط کمیته ملی حزب دموکرات آمریکا، نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان ایالات متحده خروج دولت ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران را اشتباه خوانده و در عین حال اعلام کرده است ترامپ نباید «بدون همراهی کشورهای اروپایی» از این توافق جمعی خارج می‌شد! به عبارت بهتر، نانسی پلوسی به عنوان یکی از چهره‌های شاخص و تصمیم‌گیر در حزب دموکرات، فی‌نفسه با کلیت خروج واشنگتن از برجام مخالفتی نکرده است، بلکه «یکجانبه‌گرایی» دولت ترامپ در نظام بین‌الملل را مورد حمله قرار داده است. بر این اساس اگر «خروج از برجام» محصول چندجانبه‌گرایی ایالات متحده و شرکای اروپایی آن بود، دموکرات‌ها نیز مشکلی با آن نداشتند.

آنچه در این میان بیش از پیش قابل تامل به نظر می‌رسد، استقبال رسانه‌های اصلاح‌طلب از قطعنامه اخیر کمیته ملی حزب دموکرات است. به عبارت بهتر، رسانه‌های وابسته به جریان کارگزاران و اصلاح‌طلبان بار دیگر در حال تبلیغ و ترویج دوگانه «دموکرات- جمهوری‌خواه» در بازی تبلیغاتی خود هستند. این دوگانه‌سازی در حالی انجام می‌شود که در دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما، سخت‌ترین تحریم‌های چندجانبه و یکجانبه علیه کشورمان اعمال شد. متعاقب امضای توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱ در سال ۹۴، دولت اوباما پروسه نقض و ابترسازی برجام را به صورت جدی آغاز و از خلاهای حقوقی داخل متن توافق هسته‌ای نیز در این مسیر به صورت جامع استفاده کرد! بدون شک ملت ایران به یاد دارد که دولت اوباما در نخستین گام، طرح ایجاد محدودیت در صدور ویزای کسانی را که به ایران سفر می‌کنند امضا کرد. در گام بعد نیز وزارت خزانه‌داری دولت اوباما مانع عادی‌سازی روابط بانکی و اعتباری شرکت‌های اروپایی با ایران شد. دموکرات‌هایی که امروز به نقطه امید جریان‌های اصلاح‌طلب و کارگزار در ایران تبدیل شده‌اند، در دوران اوباما با لابی‌گری و اجماع‌سازی در بین تروئیکای اروپا، مانع به نتیجه رسیدن شکایت‌های ایران در کمیته مشترک برجام شدند.

متأسفانه خلق دوگانه «دموکرات- جمهوری‌خواه» در سیاست خارجی کشورمان، بویژه طی ۵ سال اخیر انرژی زیادی را از وزارت امور خارجه و دستگاه دیپلماسی تلف کرده و خسارات محاسباتی زیادی را نیز به ما تحمیل کرده است. با این حال استقبال رسانه‌های اصلاح‌طلب و کارگزار از قطعنامه اخیر حزب دموکرات نشان می‌دهد این دوگانه‌سازی همچنان در دستور کار این جریان‌ها قرار دارد. تاکنون بارها تاکید شده است گره زدن سرنوشت برجام و متعاقباً سرنوشت اقتصادی کشور به فراز و فرودهای سیاسی در آمریکا نه تنها خطایی تاکتیکی، بلکه خطایی راهبردی محسوب می‌شود.

## گزارش روز / غیر قابل جمع!

**پایگاه بصیرت:** فشارهای رسانه‌ای و تیتراهای درشت بر صفحه اول روزنامه‌ها و صفحات پایگاه‌ها و کانال‌های نزدیک به اصلاح‌طلب و دولت که تقریباً در هفته‌های اخیر هر روز تکرار می‌شوند؛ تهدید مراجع قانونی و تصمیم‌گیر کشور از سوی برخی چهره‌های نزدیک و عضو دولت و حتی کنایه و تمسخر و به استهزا گرفتن نهادهای قانونی کشور! طرح موضوع همه‌پرسی برای تصویب این لوایح، حمله به منتقدان و متهم کردن منتقدان تصویب این لوایح به پولشویی و قاچاق و... برای به تصویب رساندن پالرمو، CFT و... رویکردهایی از این دست را که هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود، بگذارید کنار این جملات اسحاق جهانگیری، معاون اول حسن روحانی که گفته است: «ممکن است تصویب این لوایح مانند هر لایحه دیگری عوارضی به همراه داشته باشد که باید برای رفع عوارض و دغدغه‌هایی که نسبت به آن وجود دارد، چاره‌اندیشی کنیم، اما اینکه اصل آن را زیر سؤال ببریم، کاری نادرست است.» یا بگذارید کنار سخنان محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان در مجلس شورای اسلامی در روزی که برای دفاع از تصویب لوایح مذکور به صحن علنی بهارستان رفته و در این باره گفته بود: «نه بنده و نه آقای رئیس‌جمهور نمی‌توانیم تضمین دهیم که با پیوستن به لایحه حمایت مالی از تروریسم مشکلاتمان حل خواهد شد.» چطور ممکن است از یک سو این حد از فشار و تلاش برای تصویب این لوایح وجود داشته باشد و از سوی دیگر نه تنها ضمانتی در زمینه تأثیر تصویب این لوایح برای حل برخی مشکلات یا کاستن از آنها داده نمی‌شود، بلکه به وارد شدن برخی صدمات و آفات به کشور در پی تصویب این لوایح تأکید می‌شود! با چه منطقی می‌توان این دو را با هم جمع کرد! چرا ما باید ضوابط و قوانینی را بپذیریم که نفعی برای ما ندارد!؟

## آموزش تحلیل سیاسی / عوامل ماندگاری و استمرار انقلاب به روایت رهبر انقلاب<sup>(۶)</sup>

اگر این نظام اسلامی، مردم را از دست بدهد؛ مردم بی‌توجه و دلسرد شوند، ایمانشان سست شود، به فکر زندگی شخصی خودشان بیفتند؛ هر کسی بگوید ما چند سال در خدمت انقلاب بودیم، دیگر بس است، برویم سراغ کارمان؛ تاجر برای تجارت خود، کاسب برای کسب خود، زارع برای زراعت خود، دانشجو و طلبه برای درس خود و آن یکی برای تبلیغ خود، ارزش بیشتری قائل شوند، مسائل کشور و انقلاب، البته آسیب‌پذیر است. ۷۴/۱۱/۲۰

## غرب از ایران چه می‌خواهد؟

**ابتکار:** غرب و اروپا از ایران یک چیز می‌خواهد: نداشتن قوای نظامی و استقلال مالی. این سیاستی بود که از نیمه قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم با جدیت هر چه تمام‌تر از سوی بازیگران آن عرصه سیاست و دیپلماسی یعنی روسیه و انگلیس دنبال شد. قیام مردمی در نهضت مشروطه می‌خواست خط پایانی بر این سیاست روسیه و انگلیس بگذارد. اما وقتی کار به تشکیل نیروی ژاندارمری و نظمیه سوئدی کشید و با استخدام مورگان شوستر می‌رفت که امور مالی و امنیتی سر و سامانی بیاید، قوای روسیه پشت درهای تهران اردو زد و انگلستان از این اقدام روس‌ها در عمل پشتیبانی کرد و بدین سان نهضت مشروطه در زمستان ۱۹۱۱ به کما رفت.

جنگ هشت ساله شاید آزمونی از سوی غرب بر میزان توانمندی ایران در عصر جدید بود. در این دوران هشت ساله غرب به درستی دریافت که معیارها در ایران تغییر کرده است. اندیشمندان سیاسی و استراتژیست‌های نظامی در ناباوری شاهد بودند که هیچ چیز دیگر مانند اوایل و میانه‌های قرن بیستم نیست. آنها دیدند و دریافتند که دیگر و هرگز یک ژنرال روس یا یک آبرونساید و دنسترویل انگلیسی یا یک واسموس آلمانی دیگر و هرگز نمی‌تواند در صفحات غرب، جنوب و شمال ایران با سربازان و صاحب منصبان خود فرمانروایی کند.

علاوه بر قوای نظامی و روحیه سلحشوری، ایران داشت در امور مالی و اقتصادی نیز شعله‌ور می‌شد. و این دو همان چیزی بود که غرب در طول یک تاریخ نمی‌خواست که در ایران وجود داشته باشد. اما چرا؟! چرا غرب و حتی روسیه تا به این حد از استقلال مالی و نظامی ایران در هراس‌اند؟ چرایی‌اش را باید در موقع ژئوپولتیکی و اهمیت سوق الجیشی این کاروانسرای تاریخ جست. حالا امروز با این پیشینه یکصد و پنجاه ساله، غرب به نقطه عزیمت بازگشته است. خواسته روشن آنان این است: توان نظامی نداشته باشید و در امور مالی و اقتصادی قابل رصد کردن از سوی ما باشید. این خلاصه و نتیجه همه بلوای غرب علیه ایران است.